

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

قعرِ ظلمت

شب که در سودای زلفش تا سحر افتاده ام
دور گشتم از حیرت پاک تو ای آشنا
در میان خرمی از مشک تر افتاده ام
در دیوار ناشناسان در بدر افتاده ام
رنگها دارد دکـان بی متاع زندگی
آب جستم در سراب از پا بسر افتاده ام
گر تن آسوده میخواهی، دورویی پیشه کن
راست گفتم هر کجا، بر درد سر افتاده ام
مردمان سازند با لیل و نهار روزگار
در میان همنشینان، بی هنر افتاده ام
او بخواب خوش غنوده همچو گل در شاخ گل
من به بستر تا سحر با چشم تر افتاده ام
آب حیوان است ساقی جام می اندر بهار
در بهاران خوش بود چون بیخبر افتاده ام

شام تاریک است تیمور هر طرف تا بنگری

در میان قعر ظلمت کور و کر افتاده ام

(المان - ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۱)